

تحلیل نقش نماهای اسم فارسی در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی بر اساس مدل چهار تکواژ^۱

عبدالحسین حیدری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر، نقش نماهای اسم فارسی را در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی، بر اساس مدل چهار تکواژ بررسی نموده است. داده‌ها از منبع‌های معتبر زبان ترکی آذربایجانی و تعاملات زبانی گویشوران منطقه‌های مرکزی استان اردبیل گردآوری شده‌اند. ابتدا نقش نماهای اسم فارسی در چهارچوب مدل چهار تکواژ، به تکواژهای محتوایی (حروف اضافه)، تکواژهای نظام‌مند متقدم (حروف ندا) و تکواژ نظام‌مند پیونددهنده متأخر (کسره اضافه) گروه‌بندی شد. با بررسی داده‌ها، معلوم شد که برخی حروف‌ندای فارسی به صورت عناصر فرضی در زبان ترکی آذربایجانی رایج هستند. این در حالی است که تعدادی از حروف اضافه آن زبان، طی فرایند رمزگردانی زبانی در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی ظاهر می‌شوند و کسره اضافه نیز مابین حروف ندا و حروف اضافه قرار دارد. به نظر می‌رسد که بین ماهیت گونه‌های مختلف تکواژها (فعال شدن تکواژها در سطوح انتزاعی تولید گفتار) و ترتیب

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2019.21999.1592

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان؛ a_heidari53@yahoo.com

ورود آن‌ها به زبان یا گویش دیگر، ارتباط وجود دارد. بر خلاف تکواژهای نظام‌مند، تکواژهای محتوایی اعطاکننده نقش‌های تنا (حروف اضافه) به ندرت توسط گویشوران یک زبان قرض گرفته می‌شوند. همچنین راه‌یابی تکواژهای نظام‌مند متقدم به زبان یا گویش‌های دیگر، راحت‌تر از تکواژهای نظام‌مند متأخر انجام می‌پذیرد. زیرا تکواژهای نظام‌مند متأخر در سطح متأخرتر فرایند تولید انتزاعی، با فراخوان چارچوب نحوی-ساختواژی زبان ماتریس انتخاب می‌شوند. این در حالی است که انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم به صورت غیرمستقیم در سطح مفهومی-واژگانی و همزمان با انتخاب مستقیم تکواژهای محتوایی زبان ماتریس یا زبان درونه صورت می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر، نمایانگر کارآیی مدل چهار تکواژ در تبیین ترتیب راه‌یابی سازه‌ها به زبان پذیرنده در پدیده تماس زبانی است.

واژه‌های کلیدی: نقش‌نماهای اسم، فارسی، ترکی آذربایجانی، مدل چهار تکواژ

۱. مقدمه

رمزگشایی از جنبه‌های گوناگون رمزگردانی زبانی^۱، انگیزه اصلی شکل‌گیری مدل زبان ماتریس^۲ است. مدل ماتریس با تکیه بر گفتار دوزبانه‌ها تدوین شد و گسترش یافت (Myers-Scotton, 2006; Myers-Scotton & Jake, 2000; Myers-Scotton, 2002). رمزگردانی زبانی به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در یک جمله یا پاره گفتار دلالت دارد (Van Dulm, 2007, p. 1). برای نمونه در جمله «office او large است»، واژه‌های انگلیسی به صورت عناصر رمزگردانی شده در درون جمله فارسی قرار گرفته‌اند. در یک بند متمم‌نما^۳ که متشکل از سازه‌های دو زبان است، یکی از زبان‌ها به عنوان زبان ماتریس، چهارچوب نحوی-ساختواژی بند را تعیین می‌کند. به زبان دیگر که نقش کم‌رنگی در شکل‌گیری بند متمم‌نما بازی می‌کند، زبان درونه^۴ گفته می‌شود. تکواژها در بند متمم‌نما، بر پایه مدل زبان ماتریس به دو نوع تکواژ محتوایی^۵ (مانند اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و بیشتر حروف اضافه) و تکواژ نظام‌مند^۶ (مانند تکواژهای تصریفی و تکواژهای نقشی) گروه‌بندی می‌شوند. تکواژهای محتوایی که بر جنبه‌های معنایی و کاربردی دلالت دارند،

¹ code-switching

² matrix language model

³ complementizer phrase (cp)

⁴ embedded language

⁵ content morpheme

⁶ system morpheme

اعطاکننده نقش‌های تتا (مانند فعل و حروف اضافه) یا دریافت‌کننده نقش‌های تتا (مانند اسم و صفت) هستند. هر چند تکواژهای نظام‌مند از این ویژگی‌ها برخوردار نیستند و برای ارتباط تکواژهای محتوایی در پاره‌گفتار به کار برده می‌شوند. نسخه گسترش یافته مدل زبان ماتریس که از آن با نام مدل چهار تکواژ^۱ یاد می‌شود، یک مدل تولیدبنیان است. در این مدل، تکواژها بر پایه فعال شدن و انتخاب‌شان در لایه‌ها و سطح‌های گوناگون انتزاعی تولید گفتار^۲، به چهار نوع - یک نوع تکواژ محتوایی و سه نوع تکواژ نظام‌مند (تکواژ نظام‌مند متقدم^۳، تکواژ نظام‌مند پیوندهنده متأخر^۴ و تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر^۵) دسته‌بندی می‌شوند. میرزاسکاتن (Myers-Scotton, 2002) بر این باور است که مدل چهار تکواژ، مدرک‌های غیرمستقیم قابل توجهی درباره ساز و کار تولید و پردازش تکواژها ارائه می‌کند. این مدل می‌تواند در جنبه‌های گوناگون مطالعات زبان‌شناسی کارآیی لازم را داشته باشد. بنابراین از مدل چهار تکواژ برای مطالعه جنبه‌های مختلف پدیده برخورد زبانی (Turker, 2005, Fuller, 2000) استفاده شده است. پدیده تماس زبانی در کشور ما نیز که همواره در طول تاریخ، کشوری با تنوعات زبانی و گویشی فراوانی بوده است، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بوده است. علت‌های گوناگون از جمله جایگاه اجتماعی، فرهنگی و ادبی زبان فارسی سبب شده است تا نیاز گویشوران زبان‌های دیگر به واژه‌های تازه در مواجهه با حوزه‌های جدید نوآوری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، روز به روز افزون‌تر گردد. به روشنی چنین نیازهایی، انگیزه اصلی ورود واژه‌هایی زیادی از زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی بوده است. واژه‌ها نخستین سازهایی هستند که در برخورد زبان‌ها به زبان قرض‌گیرنده، انتقال پیدا می‌کنند. هر چند اگر فشار فرهنگی از سوی گویشوران زبان مبدأ طولانی مدت و شدید باشد، به دوزبانگی گسترده در جامعه قرض‌گیرنده منجر می‌شود. به دنبال آن ممکن است قرض‌گیری دستوری و واجی اتفاق بیفتد (Thomason & Kaufman, 1988). در همین راستا، رخداد نقش‌نماهای اسم فارسی (مانند حروف اضافه، حروف ندا، کسره اضافه) در گفتار دوزبانانه ترکی آذربایجانی-فارسی، به دنبال قرض‌گیری گسترده اسم فارسی اتفاق افتاده است. بر این مبنا پژوهش حاضر بر آن است تا ابتدا طبقه‌بندی نوینی از نقش‌نماهای اسم فارسی براساس مدل چهار تکواژ ارائه نماید. سپس این مقاله در پی آن است تا ورود برخی از نقش‌نماهای اسم فارسی به ترکی آذربایجانی و ظهور تعداد عمده‌ای از آن‌ها در گفتار دوزبانانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی را در چهارچوب همین مدل تبیین نماید.

¹ four Morphemes

² speech abstract production layers

³ early system morpheme

⁴ late bridge system morpheme

⁵ late outside system morpheme

۲. پیشینه و مبانی نظری پژوهش

نقشی که اسم یا گروه اسمی در بند یا جمله بر عهده دارد، حالت یا نقش دستوری خوانده می‌شود. نمایش نقش‌نماهای دستوری در تمامی زبان‌های دنیا، به سه روش زیر انجام می‌یابد: الف- ترتیب واژه‌ها ب- تصریف ج- حروف اضافه (پیش‌اضافه/پس‌اضافه) (Hardegree, 2009). برای نمونه، زبان انگلیسی، برای تمایز حالت فاعلی از مفعولی در جمله، از ترتیب واژه‌ها کمک می‌گیرد (فاعل قبل از فعل و مفعول نیز به دنبال آن می‌آید). زبان فارسی امروز برای نمایاندن حالت‌های نحوی، به ویژه حالت‌های مختلف مفعولی از حروف اضافه (پیش‌اضافه‌ها مانند از، به، با و موارد مشابه و پس‌اضافه مانند را) بهره می‌برد. هر چند دو روش دیگر نشان‌دهی حالت نیز در زبان فارسی کاربرد دارد. فاعل در یک جمله بی‌نشان خبری فارسی در اول جمله قرار دارد که نشانگر اهمیت جایگاه قرارگیری واژه در یک جمله است. یا اینکه پسوند «-ا» در واژه‌ای چون «سعدیا» و همچنین کسره اضافه در گروه اضافه «کتاب‌بینش» نمونه‌هایی از نمایش حالت‌های نحوی تصریفی (به ترتیب منادایی و اضافی) در زبان فارسی است. به تکواژهایی که برای نمایش حالت‌های نحوی در بند یا جمله به کار برده می‌شوند، نقش‌نما گفته می‌شود.

۲.۱. انواع نقش‌نماهای اسم فارسی:

۲.۱.۱. حروف اضافه: الف- پیش‌اضافه: از (مفعول ازی)، به (مفعول به‌ای)، با (مفعول بایی)، در (مفعول دری)، برای (مفعول برایی) ب- پس‌اضافه: را (مفعول رای)

۲.۱.۲. کسره اضافه: - (مضاف‌الیه)

۲.۱.۳. حروف‌ندا: الف- پیش‌اضافه: ای، آی، یا، ایا (منادا) ب- پس‌اضافه: -ا (منادا).

نقش اسم در ساخت‌های نحوی، همواره مورد توجه دستورنویسان و پژوهشگران زبان فارسی از گذشته تا به امروز بوده‌است. خیام‌پور (Khayyampour, 1996)، احمدی گیوی (Ahmadi-Givi, 2004) و پژوهشگرانی از این قبیل برای اسم در زبان فارسی ده نقش در نظر گرفته‌اند که مشتمل بر نقش‌های ۱- نهادی (فاعلی/مسنندالیهی) ۲- مفعولی ۳- مسندی ۴- متممی ۵- مضاف‌الیهی ۶- منادایی ۷- قیدی ۸- وصفی ۹- تمیزی ۱۰- بدلی هستند.

پژوهش‌های اخیر مانند (Golfam et al., 2013; Farkhondeh Gasabeh, Zahedi, 2002) (2008) حالت‌ها و نقش‌های تتارا با بهره‌گیری از رویکردهای جدید دستور زایشی (برنامه کمیته‌گرایی) تحلیل نموده‌اند. اساساً دو نوع حالت وجود دارد: حالت ساختاری و حالت درونی (Chomsky, 1986). حالت ساختاری (مانند حالت فاعلی و مفعولی) در ر-ساخت، تحت شرایط مجاورت و حاکمیت رخ می‌دهد. این در حالی است که حالت درونی (مانند حالت اضافی/ملکی)

در ژ-ساخت اعطا می‌شود. در برنامه کمینه‌گرایی، نظریه بازبینی^۱ جایگزین حاکمیت و حالت بخشی شد. نظریه بازبینی وظیفه بازبینی مشخصه‌های موجود در متمم و مشخص‌گر^۲ هسته، نسبت به مشخصه‌های خود هسته (بواسطه بازبینی آنها از طریق رابطه هسته-مشخص‌گر یا هسته-متمم) را برعهده دارد. مشخصه‌های قابل‌تعبیر در سطح واژگان اعطاء می‌شود، در حالی که مشخصه‌های غیرقابل‌تعبیر، ارزش‌شان را در طول اشتقاق بدست می‌آورند. برای نمونه، مشخصه‌های اول شخص، دوم شخص و موارد مشابه از ابتدا به ضمیر اعطاء می‌شود. هر چند فعل از ابتدا این مشخصه را ندارد. در واقع، این ساخت‌واژه است که سبب می‌شود فعل در طول اشتقاق، مشخصه شخص را دریافت کند و مشخصه‌های نحوی غیرقابل‌تعبیر آن حذف شود تا خوانش کامل صورت گیرد. حالت‌های ساختاری (فاعلی، مفعولی و موارد مشابه) نیز غیرقابل‌تعبیر اند و می‌بایست در رابطه بازبینی حذف شوند و گرنه اشتقاق ساقط می‌شود. این در حالی است که حالت درونی (مانند حالت اضافی)، جزء مشخصه‌های قابل‌تعبیر اسم است که در سطح واژگان و پیش از فرایند بازبینی ارزش‌گذاری می‌شود. علاوه بر حالت‌های دستوری، نقش‌های تنا نیز در ساخت نحوی تأثیرگذارند. هر چند این نقش‌ها بیشتر با حوزه معنایی زبان مرتبط هستند. ساماردزیچ (Samaradzic, 2009)، همسو با هورنشتاین، نونز و گروهمان (Grohmann, & Hornstein, 2005) معتقد است که نقش‌های تنا مشخصه‌هایی هستند که طی فرایندهای نحوی در مراحل اشتقاق مورد بازبینی قرار می‌گیرند. رابطه معناداری میان نقش‌های تنا و حالت‌های دستوری وجود ندارد اما بازبینی نقش‌های تنا نیز براساس رابطه هسته-مشخص‌گر و همزمان با بازبینی حالت‌های دستوری صورت می‌گیرد. البته تنها عناصری که موضوع محمول (فعل) قرار بگیرند، پذیرنده نقش‌های تنا خواهند بود.

۲.۲. انواع حالت‌های نحوی اسم فارسی که از طریق نقش نماها نمایان می‌شوند:

۲.۲.۱. حالت مفعولی

فرخنده قصبه (Farkhondeh Gasabeh, 2008) بر پایه فرضیه‌های برنامه کمینه‌گرایی نتیجه‌گیری کرده‌است که فعل واژگانی حالت مفعولی (مفعول رای) را بازبینی می‌کند. به این ترتیب که مفعول به مشخص‌گر فعل واژگانی حرکت می‌نماید تا حالت مفعولی‌اش بازبینی شود و حالت‌های دیگر مفعولی (حالت ازی و موارد مشابه) از طریق بازبینی حروف اضافه انجام یابد. هر چند مطالعه (Golfam & Najimi, 2013) در داده‌های زبان فارسی نشان داد که مفعول رای و سایر مفعول‌ها

¹ checking system

² specifier

(ازی، بایی و موارد مشابه)، همگی حالت خود را از طریق تطابق مشخصه در رابطه هسته- مشخص گر در گروه حرف‌اضافه‌ای مورد بازبینی قرار می‌دهند. هر چند از آنجایی که «را» پس‌اضافه است و در صورت آوایی پس از گروه اسمی می‌آید، به عنوان یک عملکرد پارامتری در زبان فارسی به شمار می‌آید. همچنین نقش‌های تنای همهٔ مفعول‌های زبان فارسی از طریق تطابق هسته-مشخص گر در گروه حرف‌اضافه‌ای بازبینی می‌شوند. گلفام و نجیمی (Golfam & Najimi, 2013) نقش‌های تنای مفعول‌های زبان فارسی را به صورت زیر ارائه نموده‌اند^۱:

الف- را (کنش‌پذیری، تجربه‌گری و ...) ب- از (اثرپذیری، جایگاهی و ...)

ج- به (کنش‌پذیری، بهره‌وری و ...) د- با (ابزاری، هدف و ...) ه- برای (هدف).

حقیقین و اسدی (Hagbini & Asadi, 2014) با توجه به شواهدی از ساخت جمله‌های فارسی و گونهٔ محاوره‌ای آن زبان، بیان کرده‌اند که «را» فقط یک سازهٔ نشانگر حالت مفعولی نیست. بلکه چندین سازه است که نقش‌های مختلف (تأکید، مبتدا و موارد مشابه) و صورتی مشابه دارند.

۲.۲.۲. حالت اضافی

حالت اضافی در همهٔ رویکردهای دستور زایشی، حالت درونی شمرده شده است. حالت درونی طبق نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی، در ژ-ساخت به گروه اسمی اعطا می‌شود که ممکن است به شیوه‌های گوناگون (از طریق وند افزایی مانند «S'» یا کسره‌اضافه) در ر-ساخت ظاهر شود. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد حالت درونی (مانند حالت اضافی) در رویکرد کمینه‌گرایی، جزء مشخصه‌های قابل تعبیر اسم است که در سطح واژگان و قبل از فرایند بازبینی ارزش‌گذاری می‌شود.

۲.۲.۳. حالت منادا

منادا به عنوان وسیله‌ای برای جذب مخاطب یا مخاطبان تعریف شده است که بین گزاره و مخاطب، رابطه ایجاد می‌کند (Lambrech, 1996, p. 267). جملهٔ «ای مردم، از خواب بیدار شوید.» از دو بخش تشکیل شده است: بخش منادا «ای مردم» و بند امری «از خواب بیدار شوید». آپریدونیدز (Apridonidze, 1991) و لیونسیون (Levinson, 1983) منادا را گروه اسمی در نظر می‌گیرند که به سبب عهده‌دار بودن نقش‌های گفتمانی (کلامی) از دیگر عناصر جمله جدا گشته است. از دیدگاه آن‌ها، حروفِ ندا نقش‌نماهای کلامی هستند که روابط قدرت، صمیمیت و موارد مشابه را بین گوینده و مخاطب نشان می‌دهد. نقش‌نماهای کلامی (مانند خوب، به هر حال، ولی و موارد

^۱ برای مطالعهٔ بیشتر به اثر گلفام و نجیمی (Golfam & Najimi, 2013) مراجعه شود.

مشابه) به عنوان ابزاری برای انسجام بخشی به گفتمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. نقش‌نماهای کلامی معمولاً عناصر اختیاری‌اند و می‌توان آن‌ها را بدون آن که به ساخت نحوی جمله خدشه‌ای وارد کنند از جمله حذف کرد.

هیل (Hill, 2013)، استاورو (Stavrou, 2013)، هگمن (Haegeman, 2014) و شورمانی و قره‌بیش (Shormani & Qarabesh, 2018) نشان دادند که منادا وجه اشتراک کلام و نحو است. گروه منادا در حوزه گروه متمم‌نما قرار دارد و شواهدی از زبان‌های گوناگون همچون روابط نحوی، مطابقت و محدودیت‌های توزیع منادا در جمله، نشانگر نحوی بودن گروه منادا است. همه این پژوهشگران نتیجه‌گیری کرده‌اند که چون گروه منادا خارج از موضوع‌های محمول (فعل) قرار دارد، بنابراین در جایگاه فاقد نقش تتا قرار دارد. گروه منادا به جای اینکه اشباع‌کننده نقش‌های تتای فعل باشد، نقش گفتمانی کنش گفتاری گزاره را در بر دارد. حوزه نحو و حوزه کنش گفتاری هر دو، به ساخت بند متمم‌نمای یکسانی تعلق دارند و گروه منادا مانند گروه‌های اسمی دیگر بند متمم‌نما عمل می‌کند. با این تفاوت که گروه منادا در لایه‌های نقشی بند متمم‌نما قرار گرفته است و مشخصه‌های گفتمانی بند را رمزگزاری می‌کند. بنابراین گروه منادا در جایگاهی قبل از گروه زمان که جایگاه گروه مبتدا و تأکید است، قرار می‌گیرد.

VocP . . . TopP . . . (ForcP) . . . (FocP) . . . TP¹

از آنجایی که پژوهش حاضر بر آن است تا نقش‌نماهای اسم فارسی را در چهارچوب مدل چهار تکواژ مطالعه نماید، در ادامه اصول و مبانی همین مدل شرح داده می‌شود. مدل تولید انتزاعی گفتار (Levelt, 1989) شالوده مدل چهار تکواژ را تشکیل می‌دهد. تولیدات زبانی با انتخاب پیام مفهومی که فرد (سخنگو) می‌خواهد به مخاطب یا مخاطبان خود انتقال دهد، شروع می‌شود. سطح مفهومی، نخستین سطح در مدل تولید انتزاعی گفتار است. ساختار نظام مفهومی، همچنین سایر اطلاعات این نظام (مانند اطلاعات درباره شرایط یا موقعیت گفتمان) بر شکل پیام پیش کلامی تأثیر دارد (Levelt, 1989). به هر حال، لازم است که فرد بازنمایی مفهومی را به واژگانی تبدیل نماید که با منظور یا نیت اصلی وی مطابقت دارند (انتخاب واژگانی). منظور یا نیت فرد یک رشته ویژگی‌های معنایی-کاربردی^۲ را فعال می‌سازد که این مجموعه ویژگی‌های معنایی-کاربردی، جهت‌شان به سوی لما واژگانی^۳ است. لما بخش غیرواجبی اطلاعات واژگانی یک مدخل انتزاعی^۴

¹ (Shormani & Qarabesh, 2018, p. 17)

² semantic/pragmatic feature bundles

³ lemma

⁴ abstract lexeme

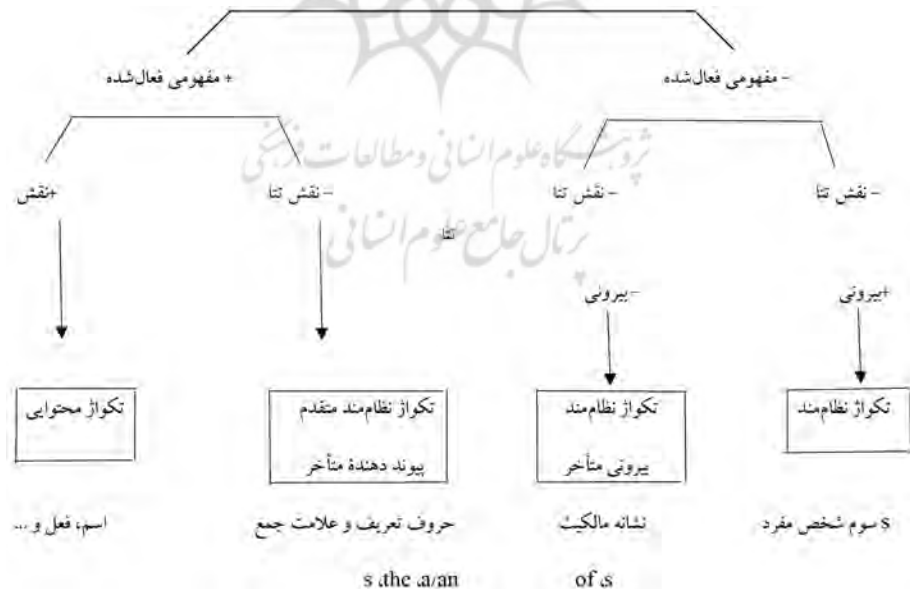
در واژگان ذهنی است که همان اطلاعات معنایی، نحوی و ساختاری واژگان را شامل می‌شود (Levelt, 1989). در واقع، لما اطلاعات سه زیرنظام ساختار واژگانی را دربردارد. نخست، اطلاعات معنایی-کاربردی. دوم، ساختار گزاره-موضوع (مشخص نمودن ویژگی‌های فعل با توجه به چارچوب زیرمقوله‌ای آن، مثلاً یک فعل چندتا موضوع می‌تواند بگیرد؟ و هر موضوع چه نقش تئایی دریافت می‌کند؟) و سوم، ساختار الگوهای تجلی ساختاری (بازنمون اطلاعات ساختاری همچون زمان، نمود، مطابقت و موارد مشابه). بنابراین لما، دوّمین سطح در تولید انتزاعی گفتار است. لمای فعّال‌شده، سطح سوّم را به فعّالیت وا می‌دارد که در آن‌جا، چهارچوب نحوی-ساختاری تولیدات زبانی تعیین می‌شود. در سطح پایانی، بازنمایی واحدهای واجی فعّال می‌شوند و روساخت پاره‌گفتار شکل می‌گیرد. دو سطح سوّم و چهارم را سطح تدوین‌کننده^۱ زبانی می‌گویند. پس از این چهار سطح، نوبت به تولید فیزیکی گفتار می‌رسد که از طریق اندام‌های گفتاری تحقق می‌یابد. تمایز تکواژهای محتوایی از گونه‌های مختلف تکواژهای نظام‌مند، با بهره‌گیری از همین مدل سطوح انتزاعی تولید گفتار انجام پذیرفته‌است:

الف- تکواژهایی که در سطح مفهومی فعال می‌شوند: تکواژهای محتوایی و تکواژهای نظام‌مند متقدم هر دو در سطح لما فعال می‌شوند. هر چند همان‌طوری که پیش‌تر اشاره شد، تکواژهای محتوایی اعطاکننده یا دریافت‌کننده نقش‌های تنها هستند. این در حالی است که تکواژهای نظام‌مند دارای چنین ویژگی نیستند. همچنین تکواژهای محتوایی مستقیماً به وسیله رسته ویژگی‌های معنایی-کاربردی انتخاب می‌شوند اما انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم به‌صورت غیرمستقیم انجام می‌پذیرد. زیرا انتخاب آن‌ها به تکواژهای محتوایی وابسته است. انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم با فراخوان تکواژهای محتوایی در سطح لما، انجام می‌شود تا منظور یا نیت فرد به‌طور کامل به مخاطب یا مخاطبان انتقال یابد. تکواژهای نظام‌مند متقدم، داخل فرافکنی بیشینه تکواژهای محتوایی قرار دارند و نقش آن‌ها، بسط معنای لماهای تکواژهای محتوایی است. نشانه جمع و حروف تعریف نمونه‌های بارزی از تکواژهای نظام‌مند متقدم هستند.

ب- تکواژهایی که نقش ساختاری ایفا می‌کنند: بر خلاف تکواژهای محتوایی و نظام‌مند متقدم، تکواژهای نظام‌مند متأخر، به لحاظ مفهومی فعال نمی‌شوند. بلکه آن‌ها فقط نقش ساختاری دارند و بازیابی آنها در واژگان ذهنی، به بعد از شکل‌گیری سازه‌های بزرگتر واگذار می‌شود. تکواژهای نظام‌مند متأخر نه در سطح لما فعال می‌شوند و نه اعطاکننده یا دریافت‌کننده نقش‌های تنها هستند. همان‌گونه که از نامشان پیداست، فعال‌شدن این تکواژها در سطوح انتزاعی متأخر تولید

¹ formulation

گفتار (تدوین‌کننده) اتفاق می‌افتد. تکواژهای نظام‌مند متأخر، برای ایجاد ارتباط در داخل سازه‌های بزرگ‌تر فعال می‌شوند. این تکواژها، نقش رابط را در درون جمله برعهده دارند و برخلاف تکواژهای نظام‌مند متقدم به ساختار مفهومی کمک نمی‌کنند (Myers-Scotton, 2006). تکواژهای نظام‌مند متأخر به دو نوع پیونددهنده و بیرونی تقسیم می‌شوند. تکواژهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر مانند نشانه مالکیت، مثل یک پل عمل می‌کنند و تکواژهای محتوایی را به سازه‌های بزرگ‌تر پیوند می‌دهند. تکواژهای نظام‌مند پیونددهنده متأخر به اطلاعات داخل فرافکنی بیشینه‌ای که در آن ظاهر می‌شوند، متکی‌اند. این در حالی است که تکواژهای نظام‌مند بیرونی متأخر به اطلاعات دستوری بیرون از فرافکنی بیشینه خود وابسته هستند و از جنبه ساختار، در سطح رو ساخت ظاهر می‌شوند. «S» سوم شخص مفرد نمونه بارز تکواژ نظام‌مند بیرونی متأخر است و نقش ساختاری را در دستور زبان انگلیسی برعهده دارند. اطلاعات تمام تکواژها در لاماها نهفته است. اطلاعات تکواژهای محتوایی و تکواژهای نظام‌مند متقدم در سطح مفهومی برجسته است. هر چند اطلاعات تکواژهای نظام‌مند متأخر در سطح تدوین‌کننده بازنمایی می‌شود. در شکل (۱)، ویژگی‌های گونه‌های مختلف تکواژها با ارائه نمونه و بر پایه مدل چهار تکواژ، به نمایش گذاشته شده است:



شکل ۱: مدل چهار تکواژ (Myers-Scotton, 2002)

۳. روش‌شناسی پژوهش

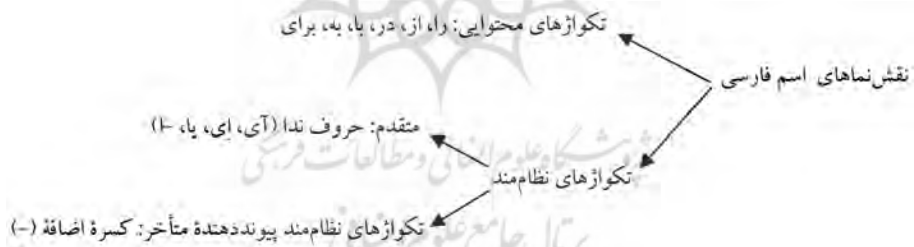
پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. نخست، نقش‌نماهای اسم فارسی در چهارچوب مدل چهار تکواژ توصیف و طبقه‌بندی می‌شود. سپس بروز و ظهور آن‌ها در گفتارگوشوران ترکی آذربایجان براساس مبانی و اصول مدل چهار تکواژ تحلیل خواهد شد. برای گردآوری داده‌ها، منبع‌های معتبر ترکی آذربایجانی یا کتاب‌های دستور زبان ترکی آذربایجانی مورد بررسی و استناد قرار گرفتند. همچنین حدود ۱۵ ساعت از تعاملات زبانی ۴۵ نفر (مرد و زن) از گوشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و روستاهای تابعه)، ضبط و گردآوری شدند. بنابراین داده‌های گردآوری شده، هم نوشتاری و هم گفتاری هستند. ۱۵ نفر از این گروه که تک‌زبان (ترکی آذربایجانی) بودند، از سنین بالای ۵۰ سال برخوردار بودند. مابقی گروه، غیر از زبان بومی، توانایی تکلم به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه) و سن‌شان بین ۱۸ تا ۶۰ سال در نوسان بود. خود دوزبانه‌ها دو گروه را شامل می‌شدند: یک گروه ۱۵ نفره تحصیل کرده و یا دانشگاهی که مشغول کارهای آموزشی، فرهنگی و اداری بودند و گروه دیگر که از سواد عمومی برخوردار بودند، شغل آزاد داشتند. همچنین نویسنده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، به دلیل ترکی‌زبان بودن، از شمّ زبانی خود هم استفاده نموده‌است. پس از گردآوری و استخراج داده‌ها، انواع نقش‌نماهای اسم فارسی و فراوانی آن‌ها در گفتارگوشوران ترکی آذربایجانی مشخص گردید که در جدول (۱)، نشان داده شده‌است.

۴. انواع نقش‌نمای اسم فارسی در چهارچوب مدل چهار تکواژ

اسم از معنا و مفهوم مستقلی برخوردار است و به دلیل برخورداری از ویژگی دریافت‌کنندگی نقش‌های تتا، در گروه تکواژهای محتوایی قرار می‌گیرد. هر دو نوع حرف‌اضافه زبان فارسی (پس‌اضافه و پیش‌اضافه) نیز با دارا بودن ویژگی اعطاکنندگی نقش‌های تتا، به طبقه تکواژهای محتوایی تعلق دارند. زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد هر دو نوع حروف‌اضافه، به عنوان هسته گروه حرف‌اضافه عمل می‌کنند. همچنین بازبینی انواع حالت‌های مفعولی از جمله رای، ازی، بایی و موارد مشابه و نقش‌های تتای آن‌ها از طریق تطابق هسته-مشخص‌گر در گروه حرف‌اضافه انجام می‌پذیرد. بنابراین حروف‌اضافه با داشتن ویژگی اعطاکنندگی نقش‌های تتا (در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی) یا بازبینی نقش‌های تتا (در رویکرد کمینه‌گرایی)، تکواژ محتوایی به شمار می‌آیند. کسره‌اضافه فارسی، دو اسم را داخل یک گروه (گروه اضافه/گروه مالکیت) به یک‌دیگر مرتبط می‌سازد تا به ترتیب حالت‌های اضافه و مالکیت بازنمایی شود. بنابراین کسره‌اضافه فارسی،

تکواژ نظام مند پیونددهنده متأخر شماره می شود. حالت اضافی/ملکی یک حالت درونی است که خود اسم در سطح واژگان، این مشخصه را دارد و طبق نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در ژ-ساخت اعطا می شود. در رویکرد کمینه‌گرایی نیز این مشخصه، یک مشخصه تعبیرپذیر است و در تطابق هسته-مشخص‌گر بازمینی نمی شود. بلکه مشخصه حالت اضافی/ملکی در سطح واژگان و قبل از فرایند تطابق، ارزش‌گذاری شده است. بنابراین کسره اضافه هیچ نقشی در اعطاکنندگی نقش‌های تتا یا بازمینی حالت اضافی و نقش‌های تتا بر عهده ندارد.

گروه منادا به سبب قرار گرفتن در خارج از موضوع‌های محمول (فعل)، فاقد نقش تتاست. حروف ندا نشانگر روابط گفتمانی بین گوینده و مخاطب هستند. اطلاعات کلامی مانند رسمی بودن یا نبودن، برجسته بودن یا نبودن و موارد مشابه را نمایان می‌سازند. بنابراین حروف ندا، مانند نقش‌نمای کلامی عمل می‌کند. این تکواژها به گسترش معنا و مفهوم اسم منادایی که قبل یا بعد از آن قرار می‌گیرند، کمک می‌نمایند. همین ویژگی‌ها (دخیل نبودن در تتادهی یا بازمینی نقش‌های تتا و بسط معنا و مفهوم لمای واژگانی)، کافی است تا حروف ندا بر پایه فرضیه‌های مدل چهار تکواژ، در گروه تکواژهای نظام‌مند متقدم قرار گیرند. در شکل (۲)، انواع نقش‌نماهای اسم فارسی بر اساس مدل چهار تکواژ دسته‌بندی شده است.



شکل ۲: طبقه‌بندی نقش‌نماهای اسم فارسی بر اساس مدل چهار تکواژ

۵. یافته‌ها

بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که همه نقش‌نماهای اسم فارسی به غیر از نقش‌نمای مفعول رایی (را)، در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی نمایان می‌شوند. همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، کاربرد نوع نقش‌نماها در میان گویشوران متفاوت است. گویشوران تک‌زبانۀ ترکی آذربایجانی در مقایسه با دوزبانۀ‌های ترکی آذربایجانی-فارسی، نقش‌نماهای فارسی محدودی را به کار می‌برند.

جدول ۱: فراوانی انواع نقش‌نماهای اسم فارسی در گفتار گویشوران تک‌زبانۀ ترکی آذربایجانی و دوزبانۀ ترکی آذربایجانی-فارسی

نوع نقش‌نما	مثال	نوع گویشور	فراوانی	جمع
سپس نامی	پل معلق /pol e moællæg/	تک‌زبانه	۳۵	۱۶۳
	خیابان امام /xijəbən e iməm/	دوزبانۀ عادی	۵۲	
	شبکه سه /ʃæbæce je se/	دوزبانۀ تحصیل کرده	۷۶	
از حرف اضافه	از حالا /æz hələ/	تک‌زبانه	۰	۱۱۷
	با هم /bə həmə/	دوزبانۀ عادی	۰	
	به دلایل فراوان /be dələləj e fərovən/	دوزبانۀ تحصیل کرده	۱۱۷	
از حرف نهاد	آی همسایه /nj gonʃi/	تک‌زبانه	۱۸	۵۶
	ای پسر /ej oylən/	دوزبانۀ عادی	۲۱	
	ای نخبه /ej noxbæ/	دوزبانۀ تحصیل کرده	۱۷	
	یا مولا /jə molə/			

نابرابری در کاربرد سازه‌های زبان غالب در میان گروهی از سخنگویان زبان پذیرا (تک‌زبان‌ها و دوزبان‌ها)، به بحث پیرامون تمایز قرض‌گیری واژگانی از رمزگردانی زبانی منجر شده‌است. سریدهار (Sridhar, 1980) بیان می‌کند که تمامی گویشوران جامعه زبانی (دوزبان‌ها و یک‌زبان‌ها)، عناصر قرضی را به کار می‌برند. در صورتی که عناصر رمزگردانی شده، فقط در گفتار دوزبان‌ها، بازنمایی و آشکار می‌شود. پاپ‌لاک (Poplack, 1980, p. 220) و میرزاسکاتن (Myers-Scotton, 1993) معتقدند که بسامد کاربرد عناصر قرضی در زبان پذیرنده بالا است اما بسامد عناصر رمزگردانی شده نسبتاً پایین است. میرزاسکاتن (Myers-Scotton, 2002, p. 41) قرض‌گیری را به دو نوع قرض‌گیری فرهنگی^۱ و قرض‌گیری کانونی^۲ تقسیم می‌کند. عناصر قرض فرهنگی بر اشیا یا مفاهیمی دلالت دارند که در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارد. این در حالی است که عناصر قرض کانونی بر اشیا یا مفاهیمی دلالت دارند که زبان پذیرنده نیز واژگان یا عناصر معادل آن‌ها را در خود دارد. به این ترتیب قرض‌گیری کانونی جایگاه متفاوتی نسبت به قرض‌گیری فرهنگی دارد. میرزاسکاتن (Myers-Scotton, 2002) پیشنهاد می‌کند که عناصر فرهنگی نباید به عنوان عناصر رمزگردانی شده در نظر گرفته شوند و هر چند فقط یک بار در پیکره

¹ cultural borrowing

² core borrowing

زبان پذیرنده رخ بدهند. زیرا آن واژه‌ها در فرهنگ زبان پذیرنده تازگی دارند و خود به خود واژه‌های قرضی هستند و بخشی از واژگان ذهنی گویشوران آن زبان شده‌اند.

بر پایه جدول (۱)، حروف ندا (آی، ای، یا و -ا) و کسره اضافه (-) در پاره گفتارهای هر سه گروه از گویشوران (تک‌زبانۀ ترکی آذربایجانی، دوزبانۀ ترکی آذربایجانی-فارسی عادی و دوزبانۀ ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده)، مشاهده می‌گردد. این در حالی است که حروف اضافه فارسی فقط در پاره گفتارهای دوزبانۀ ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده، نمود آوایی دارند. هر سه گروه پژوهش حاضر، حروف ندای «یا و -ا» را فقط با واژه‌های خاص زبان فارسی (مانند یا مولا، خدایا و ...) به کار برده‌اند. آن‌ها حروف ندای «آی و ای» را هم قبل از واژه‌های فارسی (مانند: آی آقا، آی صاحبان عزیز، ای دوست عزیز و موارد مشابه) و هم پیش از واژه‌های ترکی آذربایجانی (مانند /nj bɔjji/ (آی خواهر)، /ej ɔylbn/ (ای پسر) و مواردی از این قبیل) استفاده کرده‌اند. هر چند بسامد کاربرد حرف‌ندای «آی» نسبت به بسامد کاربرد «ای» در پاره گفتارهای تک‌زبانۀ بیشتر است (۷۵٪ به ۲۵٪).

نشانه‌ها یا حروف ندا در ترکی آذربایجانی، یا به ابتدای منادا و یا به انتهای آن افزوده می‌شوند (Ahmadi-Givi, 2004): برای نمونه، الف - /nj ɔylbn/ (آی پسر) یا /ej ɔylbn/ (ای پسر). ب - /ɔylbn hoj/ (ای پسر) یا /ɔylbn hej/ (ای پسر). احمدی گیوی (Ahmadi-Givi, 2004) معتقد است که چون در زبان ترکی آذربایجانی، پیشوند وجود ندارد و به ابتدای هیچ یک از واژه‌ها، پیشوند یا پیش‌واژه‌ای افزوده نمی‌شود، نشانه‌های ندای (آی و ای) از زبان فارسی قرض گرفته شده‌اند. کامری (Comrie, 1981, p. 51 & 66) به انواعی از حروف ربط زبان فارسی (و، اما، اگر و موارد مشابه) و حروف ندا (آی و ای) اشاره دارد که از قرن سیزدهم میلادی به بعد، به زبان‌های ترکی وارد شده‌است. کتاب‌های دستور زبان ترکی گوناگونی مانند (Ahmadi-Givi, 2004, p. 89, 206) از حروف ندا (آی و ای) فارسی نام می‌برند که ترکی‌زبانان در طول سال‌های پی در پی به کار می‌برند. توماسون و کافمن (Thomason & Kaufman, 1988) معتقدند که قرض‌گیری واژگانی اغلب بدون دوزبانگی گسترده در جامعه زبانی رخ می‌دهد. این در حالی است که برای قرض‌گیری دستوری به دوزبانگی گسترده سه نسل در زبان میزبان و در بازۀ زمانی قابل توجه، نیاز هست.

در بین داده‌های گردآوری شده، گروه اسمی اضافه (ساخت اضافه) فارسی زیادی مانند: /dɒnefɔp e ɔzɒd/ (بیمارستان امام)، /bimprestɒn e imɒm/ (شبکه سه)، /ʃæbæke je se/ (دانشگاه آزاد)، /bæstæni je xɒtere/ (بستنی خاطر) و نام ادارات، خیابان‌ها مانند /edɒre je

/bærg/ (اداره برق)، /xiɣbɒn e bɒhonær/ (خیابان باهنر)، /bɒciri bulvɒr e/ (بلوار باکری)، /tɒlɒr e ændifæ/ (تالار اندیشه) و موارد مشابه مشاهده گردید. در زبان فارسی، نخست مضاف و به دنبال آن مضاف‌الیه می‌آید. این در حالی است که در ترکی آذربایجانی ترتیب همین سازه‌ها، برعکس می‌شود مانند: /æhmæd-in citɒb-i/ (کتاب احمد) و /ev-in gɒp-i-si/ (درخانه). عدم انطباق سازه‌ها در گروه اضافه فارسی و ترکی آذربایجانی سبب می‌شود که گروه اضافه فارسی به صورت جزیرهٔ زبان درونه^۱ در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی ظاهر شود. هنگامی که ترتیب سازه‌های ساخت زبان درونه در سطوح انتزاعی تولید گفتار با ترتیب سازه‌های همان ساخت در زبان ماتریس منطبق نباشد، سازه‌های زبان درونه به صورت جزایر زبان درونه در پاره گفتار دوزبانه‌ها، نمایان می‌شوند (Myers-Scotton, 2002). هر چند ساخت‌های اضافه فارسی به صورت ترکیب‌های قرضی در ترکی آذربایجانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما هنوز ساخت اضافه فارسی به صورت یک الگوی قرضی به ترکی آذربایجانی وارد نشده‌است. در واقع، سخنگویان ترکی آذربایجانی از این الگو (ساخت اضافه) برای ترکیب عناصر زبان خود استفاده نمی‌کنند. در بین ساخت‌های اضافه قرضی گردآوری شده پژوهش حاضر، ساخت‌هایی مشاهده شد که هر چند سازه‌های تشکیل دهندهٔ آن‌ها از زبان فارسی بود (واژه‌های قرضی) اما با الگوی ساخت اضافه ترکی آذربایجانی تولید شده بودند مانند: /se fæbæcæ-si/ (شبکهٔ سه)، /imɒm bimɒrestɒn-i/ (بیمارستان امام)، /ɒzɒd dɒniʃɒh-i/ (دانشگاه آزاد)، /bɒhonær xiɣbɒn-i/ (خیابان باهنر) و مواردی از این قبیل.

ظاهر شدن حروف اضافه فارسی (پیش‌اضافه‌ها) مانند «از، با، به، در و برای» در گفتار دوزبانه‌های ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده، نشان‌گر آن است که این افراد، گروه‌های حرف اضافه مانند: /æz ævvæle sɒl/ (از اول سال)، /dær hɒl e tæhsil/ (در حال تحصیل)، /bɒ /æɣjælæ (با عجله)، /be dɒnbɒle/ (به دنبال)، /bærɒj e vɒrmeʃ xɒtir/ (برای آرامش خاطر) و موارد مشابه را به صورت جزایر زبان درونه در پاره گفتارهای خود به کار می‌برند. زبان ترکی آذربایجانی از نوع زبان‌های پیوندی و پس‌اضافه است و همهٔ وندها و نقش‌نماها در این زبان، به صورت پسوند به واژه و گروه‌ها می‌پیوندند مانند: /il-in ævvæl-in-dan/ (از اول سال)، /tæhsil /hɒlin-da/ (در حال تحصیل)، /æɣjælæj-nan/ (با عجله) و مواردی از این قبیل. بنابراین، ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه فارسی (پیش‌اضافه‌ها) با ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه ترکی آذربایجانی، یکسان نیست. این عدم انطباق بین گروه‌های حرف اضافهٔ دو زبان در سطوح

¹ embedded language island

انتزاعی تولید گفتار سبب می شود تا گروه حرف اضافه فارسی به صورت جزیره زبان درونه در گفتار دوزبانه ها نمود پیدا کند.

ظهور نیافتن نقش نمای «را» در گفتار دوزبانه های ترکی آذربایجانی-فارسی، به این دلیل است که نقش نمای مفعول رایبی فارسی مانند نقش نماهای ترکی آذربایجانی، پس اضافه است مانند: /ev- /i/ (خانه را) و /soz-i-/ (سخن را). بر پایه مدل زبان ماتریس (Myers-Scotton, 2002) یکسان بودن ترتیب سازه ها در این نوع گروه حرف اضافه هر دو زبان، به انطباق کامل آن ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار منجر می شود. در نتیجه گروه حرف اضافه فارسی با هسته «را» به صورت جزیره زبان درونه در پاره گفتارهای دوزبانه های ترکی آذربایجانی-فارسی ظاهر نمی شود. به همین سبب، نقش نمای «را» در میان داده های گردآوری شده پژوهش حاضر مشاهده نشد.

۶. نتیجه گیری

برخی از نقش نماهای فارسی به ترکی آذربایجانی راه یافته اند و برخی از آن ها در گفتار دوزبانه های ترکی آذربایجانی-فارسی ظاهر شده اند. این امر، شاهدهی است برای تکمیل و تثبیت راه یابی عناصر از زبانی به زبان دیگر که در نتیجه تماس بین زبان ها رخ می دهد. میر (Myers-Scotton, 1993) آن را با نام پیوستار رمزگردانی-قرض گیری معرفی نمود. شواهد موجود در بیشتر منابع معتبر زبان ترکی آذربایجانی (Comrie, 1981; Ahmadi-Givi, 2004; Lee, 1996) و تحلیل داده ها براساس معیارهای تمایز رمزگردانی از قرض گیری (Sridhar, 1980; Poplack, 1980; Myers-Scotton, 1993) نشان می دهد که حروف ندای «آی و ای» به صورت عناصر قرضی در زبان ترکی آذربایجانی رایج هستند. این در حالی است که حروف اضافه «از، با، به، در و برای» به عنوان عناصر رمزگردانی شده، در گفتار دوزبانه های ترکی آذربایجانی-فارسی تحصیل کرده، بازنمایی می شوند. بررسی داده ها در انطباق با پیوستار رمزگردانی-قرض گیری (Myers-Scotton, 1993) نمایانگر آن است که کسره اضافه مابین حروف ندا و حروف اضافه قرار دارد. گویشوران ترکی آذربایجانی گروه های اضافی فارسی فراوانی را به صورت ترکیب قرضی به کار می برند. این در حالی است که هنوز الگوی اضافه فارسی به صورت یک الگوی قرضی وارد ترکی آذربایجانی نشده است.

با استناد به پیوستار نقش نماهای قرضی و رمزگردانی شده فارسی در ترکی آذربایجانی، می توان ادعا کرد که میان ماهیت تولید تکواژها (فعال شدن و انتخاب آن ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار) و چگونگی ورود آن ها به زبان یا زبان های دیگر، ارتباط وجود دارد. تکواژهای محتوایی اعطاکننده نقش های تا مانند حروف اضافه، کمتر توسط گویشوران یک زبان قرض گرفته می شوند. زیرا حروف اضافه بر مقوله های دیگر جمله حاکم هستند. هر چند تکواژهای نظام مند از

ویژگی اعطاکنندگی نقش‌های تتا برخوردار نیستند و به آسانی جذب زبان‌های دیگر می‌شوند. همچنین تکواژهای نظام‌مند متقدم مانند حروف‌ندای «آی و ای» راحت‌تر از تکواژهای نظام‌مند متأخر مانند کسره اضافه به جامعه زبانی دیگر راه می‌یابند. زیرا تکواژهای نظام‌مند متأخر در سطح متأخرتر فرایند تولید انتزاعی، با فراخوان چارچوب نحوی-ساختواژی زبان ماتریس، انتخاب می‌شوند. این در حالی است که انتخاب تکواژهای نظام‌مند متقدم به صورت غیرمستقیم، در سطح مفهومی-واژگانی و همزمان با انتخاب مستقیم تکواژهای محتوایی زبان ماتریس یا زبان درونه صورت می‌گیرد. بنابراین حروف‌ندای «آی» و «ای» فارسی به عنوان تکواژهای نظام‌مند متقدم، به همراه اسم‌های زبان فارسی، به آسانی وارد ترکی آذربایجانی شده‌اند و امروزه عناصر قرضی به شمار می‌آیند. حروف اضافه فارسی، تکواژهای اعطاکننده نقش‌های تتا هستند و کسره اضافه به عنوان تکواژ نظام‌مند متأخر، ایفاگر نقش ساختاری است. این در حالی است که این سازه‌ها هنوز در زبان ترکی آذربایجانی تثبیت نشده‌اند و سازه‌های رمزگردانی شده به شمار می‌آیند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعه فولر (Fuller, 2000) نیز همسویی دارد. وی انتقال تکواژهای نظام‌مند انگلیسی به آلمانی پنسیلوانیایی را بررسی کرده‌است. او به این نتیجه دست یافته‌است که فقط تکواژ جمع‌ساز اسم «s» به عنوان یک تکواژ نظام‌مند متقدم انگلیسی در آلمانی پنسیلوانیایی تثبیت شده‌است. در صورتی که این روند هنوز برای تکواژهای نظام‌مند متأخر مانند s مالکیت و s سوم شخص مفرد انگلیسی، اتفاق نیفتاده‌است. این سازه‌ها به صورت عناصر رمزگردانی شده در آلمانی پنسیلوانیایی نقش آفرینی می‌کنند. یافته‌های پژوهش فولر (Fuller, 2000) و مقاله حاضر، بر ارتباط میان ماهیت تولید تکواژها و ورود آنها به زبان یا گفتار جوامع زبانی دیگر دلالت دارد. بنابراین با تکیه بر مدل چهار تکواژ که یک مدل تولیدبنیان است؛ می‌توان ترتیب راه‌یابی تکواژها از زبانی به زبان دیگر را بهتر تبیین نمود. پژوهش حاضر در همین راستا و بر اساس مدل چهار تکواژ، ترتیب ورود نقش‌نماهای اسم فارسی به ترکی آذربایجانی را به عنوان عناصر قرضی یا رمزگردانی شده، به صورت زیر ترسیم نموده است: حروف ندا < کسره اضافه > حروف اضافه

فهرست منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: قطره.
- حق‌بین، فریده و اسدی هما (۱۳۹۲). «باز هم را: این بار در محاوره». زبان پژوهی. دوره ۵. شماره ۹۰۱. صص ۶۱-۸۶.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. چ ۱۰. تبریز: انتشارات کتاب‌فروشی تهران.
- زاهدی، کیوان (۱۳۸۱). ساخت فعل مرکب در فارسی نوین: نگرشی کمینه‌گرا. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

فرخنده قصبه، صغری (۱۳۸۷). چگونگی بازبینی مشخصه‌های فی و حالت بر پایه کمینه‌گرا در جملات فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س).

گلفام، ارسلان و نجیمی مریم (۱۳۹۲). «نظام بازبینی در زبان فارسی معاصر: تحلیلی از مشخصه‌های حالت و تنا با رویکرد کمینه‌گرا». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۱. شماره ۲. صص ۷۹-۱۰۲.

References

- Ahmadi-Givi, H. (2004). *Comparative grammar of Turkish and Persian*. Tehran: Ghatreh [In Persian].
- Apridonidze, S. (1991). Literary and dialectal forms of address in Georgian. *Studia Linguistica*, 45, 136-145.
- Chomsky, N. (1986). *Barriers*. Cambridge: MIT Press.
- Comrie, B. (1981). *The languages of the Soviet Union*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Farkhondeh Gasabeh, S. (2008). *Person, number and case checking in Persian sentences based on Minimalist approach* [Unpublished Master's thesis]. Tehran: Alzahra University [In Persian].
- Fuller, J. (2000). Morpheme types in a matrix language turnover: the introduction of system morphemes from English into Pennsylvania German. *International Journal of Bilingualism*, 4(1), 45-58.
- Haegeman, L. (2014). West Flemish verb-based discourse markers and the articulation of the speech act layer. *Studia Linguistica*, 68, 116-139.
- Haghibin, F., & Asadi, H. (2014). Again 'Rā': this time colloquial. *Zabanpazuhui*, 5(901), 61-86. [In Persian].
- Hardegree, G. (2009). *Compositional semantics*. Massachusetts: Umass Amherst.
- Hill, V. (2013). Features and strategies: the internal syntax of vocative phrases. In B. Sonnenhauser & P. N. A. Hanna (Eds.), *Vocative: addressing between system and performance* (pp. 133-156). Berlin/Boston: DeGruyter Mouton.
- Golfam, A., & Najimi, M. (2013). Checking mechanism in modern Persian: a minimalist analysis of case and theta marking. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 2, 79-102 [In Persian].
- Hornstein, N., Nunes, R., & Grohmann, K. (2005). *Understanding minimalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Khayyampour, A. R. (1996). *Persian Grammar* (10th ed.). Tabriz: Tehran Press [In Persian].
- Lambrech, K. (1996). On the formal and functional relationship between topics and vocatives, evidence from French. In A. Goldberg (Ed.), *Conceptual structure, discourse and language* (pp. 267-288). Stanford: CSLI Publications.
- Lee, S., N. (1996). *A grammar of Iranian Azerbaijani* [Unpublished PhD dissertation]. Sussex University, Sussex, England.
- Levelt, W. J. M. (1989). *Speaking: from intention to articulation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling languages: grammatical structure in code-switching*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2002). *Contact linguistics: bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford University Press.
- Myers-Scotton, C. (2006). *Multiple voices: an introduction to bilingualism*. Malden, MA: Blackwell.
- Myers-Scotton, C., & Jake, J. (2000). Testing the 4-M model: an introduction. *International Journal of Bilingualism*, 4(1), 1-8.

- Poplack, S. (1980). Sometimes I'll start a sentence in English termino en español: toward a typology of code-switching. *Linguistics*, 18, 581-618.
- Samardzic, T. (2009). *Semantic roles in natural language processing and in linguistic theory* [Unpublished PhD Dissertation]. University of Geneva, Geneva, Switzerland.
- Shormani, M., & Qarabesh, M. (2018). Vocatives: correlating the syntax and discourse at the interface. *Cogent Arts & Humanities*, 5, 1-37.
- Sridhar, S. K. (1980). The syntax and psycholinguistics of bilingual code-mixing. *Canadian Journal of Psychology*, 34(4), 407-416.
- Stavrou, M. (2013). About the vocative phrase. In L. Schürcks, A. Giannakidou, & U. Etxeberria (Eds.), *The nominal structure in Slavic and beyond* (pp. 299 -342). Oxford: Springer.
- Thomason, S., & Kaufman, T. (1988). *Language contact, creolization and genetic linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Turker, E. (2005). Resisting the grammatical change: nominal groups in Turkish-Norwegian codeswitching. *International Journal of Bilingualism*, 9(3 & 4), 453- 476.
- Van Dulm, O. (2007). *The grammar of English-Afrikaans code switching: a feature checking account*. Utrecht: LOT.
- Zahedi, K. (2002). *Compound verb in modern Persian: a minimalist approach*. [Unpublished PhD dissertation]. Tarbiat Modares University, Tehran, Iran [In Persian].



Analyzing the Case Markers of Persian Noun in Azerbaijani Speakers' Speech, based on the 4-M Model

Abdolhossein Heydari¹

Received: 11/09/2018

Accepted: 01/06/2019

Abstract

This paper attempted to study the case markers of Persian noun in Azerbaijani speakers' speech on the basis of the 4-M model. Based on the understanding that in bilingual speech, one of the languages is normally dominant over the other, Myers-Scotton (1993, 1997) formulated the Matrix Language Frame (MLF) model, in which she classified morphemes in complementizer phrases (CP) into two kinds: content morphemes, such as nouns and verbs, and system morphemes, such as inflections and most function words. A major difference between content morphemes and system morphemes is that most content morphemes either assign or receive thematic roles, while system morphemes do not.

The contact languages play different roles. The language with the dominant role, that is the one that is used for the system morphemes, is called the matrix language (ML). The embedded language (EL) is the language from which content morphemes are inserted into the ML. The MLF model claims that in mixed ML+EL constituents, only the ML is used to build the frame. That is, the ML determines the morpho-syntax of ML+EL constituents. Modified versions of the model have appeared since then (Myers-Scotton, 1997; Myers-Scotton, 2002; etc.), and the definitions of some of the terms of the MLF model have been elaborated on or revised.

By extending the MLF model, a new morpheme categorization model called the 4-M model has been proposed (Myers-Scotton, 2002, 2006; Myers-Scotton & Jake, 2000). There are four categories of morphemes in the 4-M model, i.e. content morphemes and three types of system morphemes. This model is a refined version of the content vs. system morpheme opposition and explains how different morphemes are accessed in different ways in speech production. The heart of the 4-M model is the fact that system morphemes are activated at two different abstract levels. They are classified as early and late. Furthermore, late system morphemes are in turn divided into two types: bridges and outsiders. Early system morphemes are activated at the lemma level together with their content morpheme heads for their

¹ Assistant Professor of Language and Literature Department, University of Farhangian; a_heidari53@yahoo.com

maximal projection. Levelt defines “lemma” as the “nonphonological part of an item’s lexical information.” He also states, “lemmas are the driving force behind the speaker’s construction of the surface structure. It is in the lemmas of the mental lexicon that conceptual information is linked to grammatical function” (1989, p. 162). Unlike content morphemes and early system morphemes, late system morphemes depend on other types of information for their activation, and this information is only available at the level of the formulator, where language specific morpho-syntactic patterns must be realized. Information about all types of morphemes is present in lemmas, information about content morphemes and early system morphemes is salient at the conceptual level, and information about late system morphemes becomes salient at the positional level of the formulator. The model has been tested in many language contact situations with positive results. In some studies of language contact phenomena, these different system morpheme types have been shown to play different roles in language production. For example, in second language acquisition, early system morphemes are acquired first, and late system morphemes are more difficult to acquire. Of those few system morphemes occurring in mixed constituents in codeswitching, early system morphemes are most likely to appear in the EL (Myers-Scotton & Jake, 2000).

However, while no paper has focused explicitly on Persian- Azerbaijani contact using the 4-M model; this paper attempts to do so. The research method of this study is descriptive-analytic. First, on the descriptive level, it characterizes the case markers of Persian noun in terms of their entries in the mental lexicon (i.e., lemmas). Evidence indicates that morpheme appearance order in receptive language would not be explained without characterization of morphemes themselves, and such a characterization depends on the formalization of a connection between the underlying abstract lexical entries in the mental lexicon and surface realizations. Second, the study goes beyond describing the nature of different types of morphemes to investigating the morpheme appearance order in receptive language. The data were collected from Azerbaijani resources and its speakers in Ardabil province. The case markers of Persian noun were classified into three types on the basis of 4-M: content morphemes (adposition), early system morphemes (vocative articles) and late bridge system morphemes (genitive marker). The data analyzing indicates some Persian vocative articles have been borrowed by Azerbaijani while some adpositions appear as code-switched elements in bilinguals’ speech and genitive marker lies between them. It seems there is a relation between different morphemes nature and their order of entrance into other language. Unlike system morphemes, content morphemes assigning theta roles are rarely borrowed by other languages. Early system morphemes are borrowed more easily than late system morphemes. Late system morphemes are activated later in the production process as required by the grammatical frame of the matrix language, while early system morphemes are indirectly elected at the same time that content morphemes are directly elected by the speaker’s intentions. This paper’s findings indicate the 4-M model efficiency in explaining the order of morphemes appearance (as borrowed or code-switched) in receptive language.

Keywords: Noun case markers, Persian, Azerbaijani, 4-M model